

## کتیبه‌ی شاهپور سکانشاه در تخت جمشید

### تورج دریایی

دانشگاه ایالتی کالیفرنیا، فولرتون

کتیبه‌ی شاهپور سکانشاه، یکی از متن‌های تاریخی ایران به زبان فارسی میانه در تخت جمشید است. این کتیبه در آثار خاورشناسانی چون هرتسفلد، نیبرگ، فرای و باک معرفی شده است. مقاله‌ی حاضر نگاهی دارد به نکات تاریخی این متن، که همراه با نگاره و آوانویسی و ترجمه‌ی فارسی آن در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.

کتیبه‌ی شاهپور سکانشاه، در تخت جمشید، یکی از معدود متون تاریخی ایرانی است که از زمان شاهپور دوم (۳۰۹-۳۷۹ م) برجای مانده است. از قرن نوزدهم، مسافران اروپایی این کتیبه را در این کاخ مشاهده کرده‌اند و اطلاعاتی از آن به ما داده‌اند. این کتیبه به چند دلیل بسیار مهم است. اول، به دلیل ارزش اطلاعات اداری و ذکر مقام‌های رسمی است که در این کتیبه آمده است. دلیل دوم آنکه کاتب اشاره می‌کند به این که شاه سیستان برای سازندگان این بنا آموزش طلبیده و در آنجا نیایش کرده است. سؤالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که آیا ساسانیان در قرن سوم میلادی مطلع بودند که این کاخ را هخامنشیان ساخته‌اند؟ همچنین منظور کاتب از بیان این که ساسانیان برای نیاکان خود در این مکان نیایش یا، بنا بر اصل متن، «آفرین» کرده‌اند، چیست؟ و آیا آنان می‌دانستند که سازندگان تخت جمشید چه کسانی بوده‌اند؟ این مسئله‌ی است که به سادگی نمی‌توان به آن پاسخ داد، اما در بررسی این کتیبه مورد گفتگو قرار خواهد فرهنگ، ۳۷ و ۳۸، بهار و تابستان ۸۰، صص ۱۰۷-۱۱۴

گرفت. این مسئله رابطه‌ی مستقیمی با مبحث حافظه‌ی تاریخی ایرانیان را به پیش می‌آورد که جای بحثی مفصل‌تر دارد و در جای دیگری بررسی خواهد شد. بنابراین، نه تنها ترجمه‌ی این کتیبه، بلکه حتی مکان آن و کسانی که به آنجا سفر کرده‌اند نیز بسیار مهم‌اند.

این کتیبه را نخستین بار هرتسفلد با بررسی دقیق علمی در کتاب معروف خود، پایکولی، به چاپ رساند (هرتسفلد ۱۹۲۴). پس از آن، نیبرگ، براساس عکسی که از هرتسفلد دریافت کرده بود و نیز طرحی از آن کتیبه، چندی از اشتباهات موجود در متن هرتسفلد را تصحیح و نگاره‌ی کتیبه را، بدون ترجمه، در کتاب راهنمای پهلوی خود چاپ کرد (نیبرگ ۱۹۶۴: ص ۱۲۷). سپس، فرای در مقاله‌ی این کتیبه را ترجمه کرد و مطالعه‌ی عالمانه‌ی درباره‌ی آن انجام داد (فرای ۱۹۶۶: صص ۸۳-۹۴). و سرانجام، باک ترجمه‌ی به زبان آلمانی از این کتیبه در کتاب کتیبه‌های دولتی ساسانی خود انتشار داد (باک ۱۹۷۸: صص ۴۹۲-۴۹۴). مقاله‌ی حاضر نکات تاریخی این متن را منظور می‌دارد و همراه نگاره‌ی نیبرگ، آوانویسی و ترجمه‌ی فارسی آن را تقدیم می‌کند.

- ① 𐎱𐎠𐎼𐎿 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹
- ② 𐎱𐎠𐎼𐎿 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹
- ③ 𐎱𐎠𐎼𐎿 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹
- ④ 𐎱𐎠𐎼𐎿 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹
- ⑤ 𐎱𐎠𐎼𐎿 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹
- ⑥ 𐎱𐎠𐎼𐎿 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹
- ⑦ 𐎱𐎠𐎼𐎿 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹
- ⑧ 𐎱𐎠𐎼𐎿 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹
- ⑨ 𐎱𐎠𐎼𐎿 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹
- ⑩ 𐎱𐎠𐎼𐎿 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹
- ⑪ 𐎱𐎠𐎼𐎿 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹
- ⑫ 𐎱𐎠𐎼𐎿 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹 𐎠𐎡𐎹𐎡𐎡𐎹

- 1) BYRH spndrmt QDM SNT II mzdysn bgy šhpwhry MLK'n MLK' 'yr'n  
māh spandarmad abar sāl II mazdēsñ bay šābuhr šāhān šāh ērān
- 2) W 'nyr'n MNW ctry MN yzd'n PWN ZK y'wry 'MT šhpwhry sk'n  
MLK' hndy  
ud anērān kē čihr az yazdān pad ān jār ka šābuhr sagān šāh hind
- 3) skstn W twrstn 'D YM' dnby BRĤ mzdysn bgy 'whrmzdy MLK'n  
MLK' 'yr'n W 'nyr'n  
sagestān ud türestān tā drayāb danb pus mazdēsñ bay ohrmizd šāhān  
šāh ērān ud anērān
- 4) MNW ctry MN yzd'n MN BB' 'LĤšn 'LHY'n SGDĤ YBLWN W  
PWN ZNĤ r'sy ZY QDM  
kē čihr az yazdān kē az dar öyšān bayān namāz burd ud pad ēn rāh ī  
abar
- 5) sthry BYN °L skstn °ZLWN W PWN krpkyhy LTNĤ °L ststwny  
Y'TWN 'pš  
staxr andar ö sagestān šud ud pad kirbagīh ēdār ö sadstūn āmad uš
- 6) LHM' BYN LZNĤ BYT' °ŠTH 'Pš wrhr'n ZY nhw' whrmzdy skstn  
hndrcpt  
nān andar im xānag xward uš wahrām ī naxw-ohrmazd sagestān andarzbed
- 7) W nrshy ZY mgw ZY wr'c'n W wyny rywmtr'n ZY zrngy štrp W  
nrshy ZY dpywr  
ud narsē ī mog ī warāzān ud wēn rēwmhirān ī zerang šahrab ud narsē  
ī dibīr
- 8) w 'p'ryk p'rs'z't W sk'z't W zrnkg'n W prystky ZY MN p'tkwsn W  
srdry LWTH

ud abārīg pārs-āzād ud sag-āzād ud zerangān ud frēstag ī az pāyḡōs  
ud sālār abāg

9) YHWWN HWHnd 'pš RB' š'tyhy krty 'Pš yzd'n krtk'n prm't krtny 'pš  
būd hēnd uš wuzurg šādīh kard uš yazdān kardagān framād kardan uš

10) 'BYtr W nyd'k'n 'pryny krty 'Pš šhpwhry MLK'n MLk' 'pryny krty  
'pš NPŠH

pidar ud nīyāgān āfrīn kard uš šābuhr šāhān šāh āfrīn kart uš xwēš

11) rwb'n 'pryny krty 'Pš 'LHc 'pryny krty MNW ZNH m'ny krty

ruwān āfrīn kard uš ōy-iz āfrīn kard kē ēn mān kard

12) yzdy y'd

yazdān yād



### ترجمه‌ی متن

(۱) در ماه اسفند در سال دوم <پادشاهی> مزداپرست خدایگان شاهپور، شاهنشاه ایران

(۲) و انیران که چهار از ایزدان <دارد>، در آن زمان که شاهپور سکانشاه <فرمانروای  
مناطق> سند،

(۳) سیستان و توران تا کنار دریا <است>، فرزند مزداپرست خدایگان هرمز، شاهنشاه  
ایران و انیران

(۴) که چهار از ایزدان <دارد>، در دربار ایشان خدایگان نماز برد و به این جاده‌ی بین

(۵) استخر و سیستان شد و با کرفگی به طرف اینجا به صد ستون آمد. او

(۶) در این مکان نان خورد <و> با او بهرام فرزند نَخ هرمز، اندرزید سیستان،

(۷) و نرسی مغ، از خاندان وراز، وین ریومهران شهربان زرنگ و نرسی دبیر،

(۸) و دیگر آزادگان پارس و آزادگان سیستان و زرنگیان و فرستادگان از کوست‌ها و

سرداران همراه

- ۹) او بودند و او شادی بسیار کرد و او <مراسم> ایزدان کردگان فرمود و او  
 ۱۰) به پدر و نیاکان خود آفرین کرد. او به شاهپور شاهنشاه آفرین کرد، او به  
 ۱۱) روان خویش آفرین کرد و به آن کسی نیز آفرین کرد که این سرای را ساخت.  
 ۱۲) باشد که ایزدان <آنها> را یاد کنند.

### مطالعه متن

۲-۱:

می‌دانیم که شاهپور در سال ۳۱۰ م سلطنت خود را آغاز کرده است. پس این کتیبه در سال دوم فرمانروایی او، یعنی در ۳۱۱ م، نوشته شده است. نگارش عبارت مرسوم «مزداپرست خدایگان... شاهنشاه ایران و انیران که چهر از ایزدان (دارد)» از آغاز حکومت اردشیر بر روی کتیبه‌ها و سکه‌های ساسانی پدیدار می‌شود و تا قرن پنجم میلادی بر روی سکه‌ها به جای مانده است. این عنوان‌ها ساخته‌ی سه سنت است: پارسی (شاهنشاه) و بخش دیگر (چهر از ایزدان) هلنی و سوم (ایران و انیران) که ساخته‌ی ساسانی است.

۴-۳:

در این قسمت، نام شاه سیستان، شاهپور که فرزند هرمز اول بوده است، ذکر شده است که در دیگر منابع وجود ندارد. در ضمن، این نوشته نشان‌دهنده‌ی آن است که شاه سیستان یا سکانشاه چه نقاطی را در زیر سلطه‌ی خود داشته و نیز، در قرن چهارم میلادی، چه مناطقی از شرق جزو شاهنشاهی ساسانی بوده است.

۵:

صدستون نامی است که ساسانیان برای تخت جمشید ابداع کرده بودند که خود متکی بر سنتی است دیرینه. در الواح ایلامی، در زمان هخامنشیان نام این مکان به صورت «تالار ستون» i-ia-an یاد شده است (کامرون). به همین دلیل، به نظر می‌رسد که این نام تا اوایل دوره‌ی ساسانی هنوز به جا مانده بوده و نام تخت جمشید در اواخر حکومت ساسانی به این بنا اطلاق شده است، که این خود همراه و همزمان با آغاز پدید آمدن

پیدایش اندیشه‌ی کیانی در حکومت ساسانی به وقوع پیوسته است.  
:۶

در اینجا، منظور از «نان خوردن» طعام و خوراک خوردن است. نخستین واژه‌ی سطر ششم، بنا بر متن ضمیمه 'HMR (may می) است و قرائت زیرنوشته با آن اختلاف دارد. در این سطر به یکی از القاب مهم در قرن چهارم بر می‌خوریم و آن «اندرزید» است که در دربار ساسانی نیز سمت «در اندرزیدی» وجود داشته است. بر مبنای این مدرک می‌توان نظر داد که شاهان محلی نیز خود اندرزیدانی داشته‌اند.

:۷

یک مغ از خانواده‌ی وراز و یک دبیر نیز همراه شاه سیستان بوده‌اند که به‌طور حتم از سیستان بوده و به آنجا برمی‌گشته‌اند.

:۸

منظور از «آزادگان» دسته‌ی مخصوصی از طبقه‌ی نجبا در دوره‌ی ساسانی است. بر اساس کتیبه‌های شاهپور اول در نقش رستم و نرسی در پایکولی، می‌دانیم که سه گروه مهم نجبا: ۱) و سپهران (شاهزادگان)، ۲) بزرگان، و ۳) آزادان بوده‌اند که اینان پایین‌ترین رتبه را در این تقسیم‌بندی داشته‌اند. آزادان در سوارنظام ارتش ساسانی نقش مهمی را ایفا می‌کرده‌اند.

منظور از «فرستگان» یا «فرستادگان»، اشخاص مهمی است که از «کوست‌ها» یا ناحیه‌های مختلف شاهنشاهی همراه سکانشاه بوده‌اند و به احتمال زیاد منصبی است که کارکرد دقیق آن را نمی‌دانیم.

یکی از مراسم دینی در این دوره مراسم «کردگان» است که در آن از ایزدان سپاسداری می‌شده و جزو تشریفات مذهبی بوده است. کرتیر، مؤید قرن سوم میلادی، در کتیبه‌های خود به ما اطلاع می‌دهد که پس از سفر به دنیای دیگر توانسته است طریقه‌ی درست انجام دادن این مراسم کردگان را یاد بگیرد. (ژینیو ۱۹۹۱: صص ۳۵-۳۹) «کرفگی» یا «کرفه‌کاری، کرفه کردن» به معنای «انجام دادن کار ثواب» است،

یا «اخلاص».

۱۱-۱۰:

به درستی معلوم نیست که منظور شاهپور سکانشاه از نیاکان خود آیا هخامنشیان بوده است یا ساسانیان و آیا این موضوع به مضمون سطر یازدهم نیز ربط دارد یا نه؛ یعنی اینکه آیا ساسانیان نیاکان خود را سازنده‌ی این کاخ می‌دانسته‌اند یا نه. نیولی بر این عقیده است که ساسانیان هخامنشیان را نیاکان خود می‌دانستند (نیولی ۱۹۸۹: ص ۱۱۹) و من نیز اول از نظریه‌ی او پیروی کردم تا اینکه شیرو در نامه‌ی خصوصی به من گوشزد کرد که جای تردید است که منظور اینان از نیاکان، هخامنشیان بوده باشد. به هر حال، هنوز نیولی این مسئله را اثبات نکرده است.

می‌توان این‌گونه حدس زد که، چون ساسانیان از نام درست این قصر مطلع بوده‌اند، از هخامنشیان نیز اطلاع داشته‌اند (دریایی ۱۹۹۵: ص ۱۴۱). در مورد اینکه منظور از مراسم آفرین که برای کسانی که این کاخ را ساخته‌اند برگزار شده است، مراسم آفرین برای هخامنشیان بوده است، باید گفت که احتمال دارد منظور از آن، اشاره به خاندان بزرگان پارس بوده باشد که ساسانیان خود از آنها بوده‌اند و به قدمت خود و سنت خود افتخار می‌کرده‌اند و ساختن این کاخ را به نیاکان خود نسبت می‌دادند که در واقع، در گذشته‌ی دور نیز هخامنشیان از آنها بوده‌اند.

به هر حال، به جا گذاشتن این کتیبه در درگاه ساختمان تخت‌جمشید نشان‌دهنده‌ی این است که ساسانیان سازنده‌ی این بنا را از نیاکان خود می‌پنداشتند و این خود مسئله‌ی مهمی در مبحث حقانیت و مشروعیت بخشیدن سیاسی به خاندان ساسانی است. باید به یاد داشته باشیم که، در نزدیکی همین درگاه، عضدالدوله نیز کتیبه‌ی به جا گذاشته است و متون اسلامی نیز اطلاع می‌دهند که او از موبدان خواست تا آنچه را بر روی این درگاه نوشته شده بود بخوانند. همین کار او خود نشان‌دهنده‌ی تقلید سلسله‌های دیگر ایرانی از پیشینیان است که به پیروی از ساسانیان، به عملی مشابه دست می‌زده‌اند، حتی در زمانی که دیگر صدستون به نام تخت‌جمشید شناخته می‌شده است.

1. Back, M. 1978. *Die Sassanidischen Staatsinschriften*. Leiden.
2. Cameron, G. *Persepolis Treasury Tablets*. Chicago. 3a, 9, 15, 18, 22, 48a, 77, 79, 83.
3. Daryaei, T. 1995. "National History or Keyanid History?: The Nature of Sasanid Zoroastrian Historiography," *Iranian Studies*, vol. 28, 3/4.
4. Frye, R.N. 1966. "The Persepolis Middle Persian Inscription from the Time of Shapur II," *Acta Orientalia*.
5. Gignoux, Ph. 1991. *Les Quatre Inscriptions du mage kerdir*. Leuven.
6. Gnoli, G. 1989. *The Idea of Iran: An Essay on Origin*. Rome.
7. Herzfeld, E. 1924. *Paikuli*, vol. I, xii.
8. Nyberg, S.H. 1964. *A Manual of Pahlavi*. Part I. Wiesbaden.

